

چیستی پژوهش هرمنوتیک والزامات آن در حوزه تعلیم و تربیت

معصومه صمدی^۱

بیان مساله

واژه هرمنوتیک دارای تاریخ طولانی است. این اصطلاح از یونان باستان به طور متفرق تداوم و رواج داشته است. ارسطو این واژه را در عنوان یکی از آثارش (درباره تفسیر) به کار برد. در اسکندریه باستان نیز مکتبی در باره تفسیر وجود داشت. اما با اصلاحات مذهبی در قرن شانزدهم میلادی پرسش در باره موضوع تفسیر به عنوان یک مساله مطرح شد همواره این سوال وجود داشت که مرجعیت برای آگاهی از معنای یک متن کیست؟ آیا مرجعیت از آن کلیساست یا این که مرجعیت از آن دولت است؟ و یا این که متن به حدی از انسجام و هماهنگی درونی برخوردار است که هر کس می تواند با توان خوب به کشف معنای آن نائل شود؟ این فرضیه که حقیقت در نهایت امری متدولوژیک است همان چیزی است که بخش اعظم هرمنوتیک معاصر را به چالش کشید و بحث هرمنوتیک به طور جدی در حوزه های مختلف مطرح و تعاریف متفاوتی از آن به عمل آمد. برای مثال کلادینوس^۲ (1759-1710) هرمنوتیک را " هنر تفسیرمتون مقدس"، شلایرماخر^۳ (1834-1768) هرمنوتیک را به مثابه "هنر فهمیدن" هوسرل هرمنوتیک را به عنوان پدیدار شناسی هستی، دیلتای (1911-1833) هرمنوتیک را به عنوان روش پژوهش مطرح کرد. **سوالی که اینک مطرح است این است که:**

مراد از هرمنوتیک به عنوان یک روش پژوهش چیست؟

الزامات پژوهش هرمنوتیک کدامند؟

این نوع پژوهش دارای چه دستاوردهای تربیتی است؟

msamadi81@yahoo.com

²- Kladineuss

³- Shelaier - Macher

¹-عضو هیات علمی پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش



روش

برای پاسخ به سوالات فوق‌الذکر از روش "توصیفی - تحلیلی" استفاده شده است. به اعتقاد کومبز و دانیل (1990) روش تحلیلی در پی آن است که شرح واضح و کاملی از یک مفهوم و یا موضوع ارائه دهد. هدف پژوهش‌های توصیفی - تحلیلی فهم و شناخت مجموعه‌ای از مفاهیم، یا ساختارهای مفهومی است که بر حسب آن مقاصد را بیان و مسائلی را تدوین، تنظیم و حل می‌نمایم. بر این اساس در این پژوهش برای این که تصویر جامعی از پژوهش هرمنوتیک و الزامات آن در حوزه علوم انسانی ارائه شود از شیوه اسنادی نیز استفاده شده است.

یافته‌ها

بررسی‌های انجام شده نشان داد که هرمنوتیک در ادوار مختلف به صورت‌های گوناگون مورد استفاده قرار گرفته است که عبارتند از: - هنر تفسیر کتاب مقدس، - هنر تفسیر متون، علم به قواعد فهم متون، - روش جلوگیری از بد فهمی، - روش شناسی علوم انسانی، - تبیین ماهیت فهم. در این پژوهش هرمنوتیک به عنوان پژوهش تفسیری مورد توجه قرار گرفته است. پژوهش هرمنوتیکی پژوهشی تفسیری و چند بعدی است. به اعتقاد دابرت¹ (1982) روش مناسب برای تفسیر هر پدیده‌ای تنها می‌تواند توسط خود پدیده از طریق یک نوع ارتباط دیالوگی بین پرسش و پدیده آشکار شود. این پژوهش همواره به دنبال طرح این موضوع است که چگونه معنا می‌تواند انسانها را به چالش بکشد به گونه‌ای که بتوانند در باره زندگی‌شان با یکدیگر به گونه بوم‌شناسانه و فرافرهنگی سخن بگویند.

نشانه پژوهش تفسیری خوب، داشتن دستورالعمل روش‌شناسانه معین نیست بلکه پژوهش تفسیری خوب پژوهشی است که بتواند آن چه قصد تحقیق‌اش را دارد فهم کند (ساربین²، 1986). تفهم در این جا مقوله‌ای ثابت نیست بلکه مقوله‌ای برای یک تعبیر عمیق است که نشان دهد چیزی اساساً در محیط پیرامون شنیده می‌شود. این بدان معنی است که آگاهی هرمنوتیک همیشه و در همه جا یک آگاهی تاریخی است که مبین شیوه‌ای از فکر و عمل

¹ - Dobbert

² - Sarbin



کردن است که به طور ظریفی از تجربه داستانی شده آدمی حکایت می‌کند. از این رو پژوهش خوب هرمنوتیکی پژوهشی است که توانی برای خواندن تجربه داستانی آدمی از درون و بیرون راداشته باشد.

الزامات هرمنوتیک به عنوان یک روش پژوهش عبارتند از:

1- توجه عمیق به خود زبان: بدین معنی که انسان باید به این نکته توجه داشته باشد که چگونه خود و دیگران از زبان استفاده می‌کنند. این مهم است که پژوهشگر هرمنوتیک تعبیری از پیشینه‌های لغت‌شناسانه کلمات داشته باشد تا ببیند از نظر تاریخی لغات معطوف به چه چیزی بوده‌اند. هر محقق هرمنوتیکی باید یک فرهنگ لغت در کنار خود داشته باشد. بنابراین برای تخیل تفسیری درک این که زبان جمعی چگونه کار می‌کند و چه چیزی محرک آن است و ویژگی‌های آن از نظر استعاره، قیاس و ساختار چیست بسیار اساسی است.

2- دومین الزام درک "قابل تفسیر بودن زندگی" است. این به این معنی است که ما در دنیایی زندگی می‌کنیم که پر از تفسیرهای سنگین، ایدئولوژیک و بنیادگرایی‌هایی است که به عنوان شکل‌هایی از حقیقت در فراسوی تفسیر قرار دارند. بنا بر این فعالیت‌های تفسیری تنها مبتنی بر متون نیست بلکه مبتنی بر بافت عمیق زندگی است.

3- سومین الزام درک "فهم زندگی" است. تفهم در این جا مقوله‌ای نیست که بتوان آن را ثابت نگاه داشت، بلکه چیزی است برای یک تعبیر عمیق، که نشان دهد چیزی اساساً در محیط پیرامون شنیده شده است. این بدان معنی است که آگاهی هرمنوتیک همیشه و در همه جا یک آگاهی تاریخی است.

4- الزام چهارم، خلاقیت درونی است. هرمنوتیک در باره خلق معناست نه صرفاً گزارش معنا. این نگاه پژوهش هرمنوتیک را از قوم‌نگاری و تئوری‌های فرموله شده متمایز می‌کند.

از مهم‌ترین دستاوردهای این نوع پژوهش برای نظریه و عمل تربیتی برجسته نمودن نقش زبان در فرایند تربیتی است. زبان بیانگر امیال، علائق، آلام و آرزوهای ماست. زبان حتی در سکوتش به ما آن چه را که فراموش می‌کنیم می‌گوید. زبان به تفسیر نیز می‌پردازد. تفسیری که مبتنی بر بافت عمیق زندگی است. تفسیری که فهم جدید را موجب می‌شود. فهم جدیدی که از طریق



توجه به حوادث روزانه، توجه به برخی واکنش‌های صورت گرفته در برابر دانش‌آموزان، توجه به تعاملات میان همکاران، توجه به قطع ناگهانی ارتباطات در کلاس و غیره حاصل می‌شود. همه این فعالیت‌ها کمک می‌کند تا به زندگی ما معنای متنی را بدهد که می‌توان آن را تفسیر کرد. به این ترتیب آن چه را در عمل در جریان است، یعنی اعمالی را که در گذشته به طور جزم اندیشانه با آن‌ها برخورد می‌کردیم کشف کنیم. از این روست که هرمنوتیک خلق معنا است و نه صرفاً گزارش آن. این وجه تلاش، هرمنوتیک را از قوم‌نگاری و تئوری‌های فرموله شده که در آن‌ها وظیفه هر تخصص صرفاً گزارشی از افکار مردم و اعمال آن‌ها از نقطه نظر خودشان باشد، متمایز می‌سازد.

بحث و نتیجه‌گیری

مهم‌ترین دستاورد دیدگاه هرمنوتیکی در حوزه روش‌های پژوهش این است که برای درک هر پدیده باید آن را در کل در نظر گرفت. و جایگاه آن را در زمینه تشخیص داد. علاوه بر این همان اصولی را که در فهم متن باید به کار گرفت در حوزه فهم رفتار آدمی نیز باید به کار بست. فایده چنین برخوردی با پدیده‌ها این است که در چنین متنی هر امری قابل درک خواهد شد. برای دست‌یابی به چنین دیدگاهی در فرایند پژوهش، پژوهش هرمنوتیک می‌تواند عرصه جدیدی برای محققان به حساب آید.

واژگان کلیدی: هرمنوتیک، پژوهش تربیتی، الزامات پژوهش هرمنوتیک، دستاوردهای پژوهش هرمنوتیک.



منابع

- 1- باقری، خسرو (1375)، دیدگاه‌های جدید در فلسفه تعلیم و تربیت، تهران: نقش هستی
- 2- ستاری، علی (1380)، هرمنوتیک و تعلیم و تربیت، فصلنامه تعلیم و تربیت، 68.
- 3- ساروخانی، باقر (1380)، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، ج 1، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- 4- وینچ، پیتر، ایده علم اجتماعی، ترجمه گروه مترجمان (1372)، انتشارات سمت، تهران
- 5- گوتگ، جرالده، ال (1383). مکاتب فلسفی و آراء تربیتی، ترجمه م. پاک سرشت، تهران: انتشارات سمت.
- 6- Gadamer. (1989). Truth & Method. Trans. By Weinsheimer and D.G. Marshall. 2nd. Revised Edition. New York: Scabury press.
- 7- Grondin, J (1994) Introduction to philosophical Hermeneutics (New Haven, Yale University Press).
- 8- Sarbin, T. (1986). Narrative psychology: The storied nature of human conduct. New York: Praeger.
- 9- Madison, G. (1988). Postmodern philosophy? Critical review, 7, 23. 166-182.